سیاست و مجلس

پارلمان دانشجویی ۴

جلسات گرانی و بیکاری در مجلس ۵

سیاست بین‌الملل

روسیه رودررو یا در کنار غرب ... ۶

نقش اعراب در کنار ایران مهم است ۷

سیاست بین‌الملل

نقش زنان در انتخابات کویت ... ۸

دیکتاتور را محکوم کنید ۹

نهادهای مدنی

بهانه نوار زرد بر لباس یهودیان ایران ۱۰

گروه ۸ موضوع هسته‌ای ایران را بررسی می کند

صبر ایران؛ شتاب غرب

عروسک سران گروه ۸ - اجلاس سال گذشته در اسکاتلند

پوتین: به دنبال ضرب‌الاجل نیستیم

ایسنا: ولادیمیر پوتین تاکید کرد که روسیه برای حل برنامه هسته‌ای ایران هیچ گونه ضرب‌الاجلی را دنبال نخواهد کرد. به گزارش خبرگزاری فرانسه، ولادیمیر پوتین رئیس جمهور روسیه سه شنبه به دیپلمات‌های روسی در مسکو و در حضور خبرنگاران گفت: ما قصد نداریم در هیچ گونه ضرب‌الاجلی که فقط اوضاع را به بن‌بست بکشاند و به اختیار شورای امنیت ضربه بزند، شرکت کنیم. وی که در جمع سفیران روسیه در دیگر کشورها صحبت می‌کرد، افزود: معتقدیم که گفت‌وگو و نه انزوای یک کشور یا کشوری دیگر، چیزی است که به راه‌حل بحران‌ها می‌انجامد. رئیس جمهور روسیه اظهار کرد، در زمینه منع اشاعه ما کار کردن بر روی سطح سیاسی - دیپلماتیک و جست‌وجوی مصالحات بر مبنای حقوق بین‌الملل را موثر در نظر می‌گیریم. اظهارت پوتین در حالی مطرح می‌شود که کشورهای غربی تعجیل ایران در پاسخگویی به مجموعه پیشنهادی ۱+۵ را درخواست می‌کنند. محمود احمدی‌نژاد رئیس جمهور ایران اعلام کرده است که پاسخ ایران به مجموعه ۱+۵ اواخر مردادماه آماده می‌شود. با این حال اعلام این موعد اعتراض آمریکا را برانگیخته است و جورج بوش رئیس جمهور آمریکا این زمان را «بیش از حد دیر» خوانده است. آمریکایی‌ها اصرار دارند که هر چه سریع‌تر پاسخی از جانب ایران داده شود. در تازه‌ترین مورد این درخواست‌ها جان بولتون نماینده آمریکا در سازمان ملل به خبرنگاران گفت: روز سه‌شنبه، سه هفته می‌شود که ایران مجموعه پیشنهادی پنج عضو دائم شورای امنیت و آلمان را دریافت کرده است. ما در گذشته گفتیم که پاسخ را ظرف چند هفته و نه چند ماه می‌خواهیم.

روزنامه فایننشال تایمز با اشاره به نگرانی آمریکا و اتحادیه اروپا درخصوص روند کند پاسخگویی ایران به مجموعه مشوق‌های پیشنهادی غرب با هدف توقف فعالیت‌های حساس هسته‌ای می‌نویسد: آمریکا و متحدان اروپایی‌اش تهدید می‌کنند که در صورت ادامه این روند برای بررسی موضوع ایران به چارچوب شورای امنیت سازمان ملل بازگردند.

این روزنامه انگلیسی می‌افزاید: مقامات واشینگتن و اتحادیه اروپا می‌کوشند تا از اجلاس وزیران خارجه گروه هشت که اواخر هفته جاری در سن‌پترزبورگ برگزار می‌شود، برای تحت‌فشار قرار دادن ایران با هدف پاسخگویی سریع‌تر به مجموعه پیشنهادی غرب استفاده کنند. نشست فردای مدیران ارشد سیاست خارجی کشورهای عضو گروه هشت کشور صنعتی جهان در حالی برگزار می‌شود که برخی مقامات آمریکایی و اروپایی این تاریخ را برای پاسخگویی ایران پیشنهاد کرده بودند. اما محمود احمدی‌نژاد رئیس جمهور ایران هفته گذشته، اواخر مردادماه را زمان احتمالی پاسخ‌دهی ایران اعلام کرد.

این در حالی است که آمریکا و اروپا از ایران می‌خواهند ظرف مدت چند هفته و نه چند ماه پاسخ نهایی خود را اعلام کند.

یکی از نمایندگان اتحادیه اروپا می‌گوید: یکی از گزینه‌هایی که وزیران خارجه G8 در نشست پنجشنبه بررسی می‌کنند به کارانداختن مجدد روند شورای امنیت، در صورت عدم پاسخ‌دهی سریع ایران است. جان بولتون نماینده آمریکا در سازمان ملل نیز می‌گوید: ایران تا روز پنجشنبه برای ارائه پاسخی روشن فرصت دارد. وی این نکته را یادآور می‌شود که اکنون سه هفته از زمان دریافت مجموعه توسط ایرانیان می‌گذرد و گروه هشت پاسخ صریح تهران را می‌خواهد.

فایننشال تایمز می‌نویسد: دیپلمات‌های فعال در دو سوی آتلانتیک قصد دارند از اجلاس اواسط ژوئیه (۲۴ تیر) گروه هشت که در سن‌پترزبورگ برگزار می‌شود، برای افزایش فشار بر ایران و ایجاد اجماع بین‌المللی در صورت مخالفت تهران با مجموعه پیشنهادی، استفاده کنند. این در حالی است که تهران با درخواست آمریکا و اتحادیه اروپا مبنی بر تعلیق همه فعالیت‌های غنی‌سازی مخالفت می‌کند و از غرب می‌خواهد مذاکرات بدون پیش‌شرط را آغاز کند. فرانک والتر اشتاین‌مایر وزیر امور خارجه آلمان پس از دیدار با منوچهر متکی همتای ایرانی خود خواستار پاسخ‌دهی هرچه سریع‌تر ایران شد و گفت: «نمی‌توانم تصور کنم که تا پایان مرداد برای دریافت پاسخ ایران صبر کنیم.» فایننشال تایمز به نقل از دیپلمات‌ها می‌نویسد: «اشتاین‌مایر و مشاوران وی در توصیف فضای ملاقات با متکی به همتایان خود در پاریس و لندن گفته‌اند که این نشست مشترک راضی‌کننده نبوده است.

این در حالی است که آمریکا و اروپا به دنبال مذاکره با ایران در خصوص پاسخ‌دهی به مجموعه پیشنهادی هستند، اما این روند تاکنون نتیجه‌ای به دنبال نداشته است. در راستای تحقق این هدف خاویر سولانا رئیس سیاست خارجی اتحادیه اروپا قصد دارد این هفته یا هفته آینده با علی لاریجانی دبیر شورای عالی امنیت ملی و مسئول مذاکرات هسته‌ای ایران ملاقات کند.»

فایننشال تایمز می‌افزاید: با وجود تلاش آمریکا و اروپا این گونه به نظر می‌رسد که مخالفت چین و روسیه - دو عضو کلیدی شورای امنیت - با تحریم ایران نقش پراهمیتی در تضعیف مواضع غرب ایفا می‌کند. از سوی دیگر کوفی عنان دبیرکل سازمان ملل هفته گذشته اعلام کرد که انتظار ندارد به زودی پاسخی از سوی ایران دریافت کند و اظهارات وی طرح‌های آمریکا و اروپا برای بهره‌برداری از اجلاس گروه هشت با هدف فشار بر تهران را ناکارآمد می‌کند. یک دیپلمات غربی می‌گوید: «نکته مهم این است که چرا ایران به زمان نیاز دارد.» وی ادعا می‌کند: «تلاش برای وقت‌کشی غیرقابل پذیرش است.»

آینده نامعلوم مناقشه ایران در خزر

خطر برای بازیگر قدیمی خزر

ترجمه: شبنم جعفرزاده

دیدار یک ماه پیش دیک چنی معاون رئیس جمهور آمریکا از قزاقستان و انتقادات متعاقب آن از روسیه، آغاز دوباره «بازی بزرگ» هدایت سیاسی از سوی قدرت‌های خارجی برای به دست آوردن کنترل بر آسیای مرکزی را نشان می‌دهد که قرن‌ها قدمت دارد. منازعه کنونی برخلاف مقابله پیشین روسیه و انگلیس بر سر مسیرهای تجاری به هند، از دسترسی به ذخایر هیدروکربن دریای خزر ناشی می‌شود. در حالی که گزارش روز هشتم ماه مه سال‌جاری خبرگزاری آسوشیتدپرس حاکی از انتقاد شدید چنی از پوتین به سبب تغییر اصلاحات دموکراتیک و استفاده از منابع انرژی به عنوان حق‌السکوت برای به دست آوردن اهرمی سیاسی بود، اظهارات معاون ریاست‌جمهوری آمریکا همچنین هشداری بود به سایر قدرت‌های بزرگ حاضر در آسیای مرکزی مبنی بر اینکه این بازی بزرگ، بازیگر جدیدی پیدا کرده است. به عبارتی دقیق‌تر، انتقاد چنی از روسیه، نشان‌دهنده فشارهای فزاینده از سوی آمریکا برای اطمینان از همکاری قزاقستان در ساخت خط لوله‌ای فراخزری از آکتوا به باکو است که موجب تقویت خط لوله نوساز باکو - تفلیس - جیحان (و با حمایت آمریکا) می‌شود. چنین معامله‌ای قطعاً انحصار روسیه را در صادرات نفت منطقه دریای خزر درهم خواهد شکست. ورود ایالات متحده آمریکا به آسیای مرکزی، معنی بسیار مهم و احتمالاً خطرناک‌تری برای یکی دیگر از بازیگران قدیمی این بازی بزرگ یعنی ایران دارد. حضور آمریکا در منطقه دریای خزر که به ۲۶ سال روابط خصمانه دیپلماتیک، تحریم‌های اقتصادی، عملیات اخیر نظامی آمریکا در عراق و افغانستان و تهدیدات ناشی از برنامه تحقیقاتی هسته‌ای ایران اضافه شده، در تهران به عنوان تلاشی دیگر از سوی واشینگتن برای انزوای بیشتر ایران از جامعه جهانی تعبیر می‌شود. مسائل حل‌ناشده‌ای که میان ایران و دیگر کشورهای ساحل دریای خزر در مورد وضعیت حقوقی این دریا و بهترین شکل تقسیم محدوده خزر وجود دارد، به نگرانی‌های این کشور درباره پیشروی آمریکا در حیاط خلوت ایران دامن می‌زند. در ماه جولای سال ۲۰۰۱، ایران براساس نگرانی‌های خود، با کشتی جنگی و هواپیمای جنگنده، دو کشتی تحقیقاتی آذربایجان را تهدید کرد که در میادین نفتی البرز برای شرکت بریتیش پترولیوم مشغول تحقیق و جست‌وجو بودند. مالکیت میادین نفتی جنوب دریای خزر، علت مناقشه ادامه‌دار میان ایران و جمهوری آذربایجان است. روزنامه تهران‌تایمز چاپ ایران حضور کشتی‌های تحقیقاتی آذری را حرکتی نسنجیده از آذربایجان توصیف کرده که با حمایت انگلیس انجام شده بود و ایران هم با استقرار نیروهای خود در امتداد مرزهای خود با آذربایجان، به این اقدام واکنش نشان داد. در حالی که مسائل ارضی در میان کشورهای شمالی دریای خزر عمدتاً از طریق دیپلماتیک حل و فصل شده است، این نمایش نظامی ایران نشانگر این است که حل مسائل مشابهی در جنوب این دریا، با توازن نه‌چندان مطبوع مذاکرات اقتصادی - دیپلماتیک و اقدام نظامی ادامه خواهد یافت. دریای خزر که بزرگترین دریاچه جهان است، با پنج کشور روسیه، قزاقستان، آذربایجان، ایران و ترکمنستان احاطه شده است. این دریا دارای سومین ذخیره بزرگ هیدروکربن در جهان است (که پیش‌بینی می‌شود بین ۱۷ تا ۳۳ میلیارد بشکه نفت داشته باشد) و حدود ۳۲۵ تریلیون مترمکعب گاز طبیعی در خود جای داده است. این منابع به طور یکنواخت در این دریا پراکنده نشده‌اند، به‌طوری که بیشتر ذخایر نفتی دریایی در نزدیکی قزاقستان (میدان تنگیز و کاشاگان) و آذربایجان (میدان باکو) قرار دارند. دریای خزر علاوه بر ذخایر هیدروکربنی، محل زندگی ۹۰ درصد ماهی‌های خاویار جهان است و به این ترتیب مرکزی برای صنعت خاویار محسوب می‌شود. سه مسئله اصلی در مناقشه ارضی دریای خزر منابع هیدروکربن، ماهیگیری و دسترسی به آب‌های جهانی برای حمل‌ونقل آنها است. شوروی سابق و ایران در سال‌های ۱۹۲۱ و ۱۹۴۰ توافقنامه‌هایی را برای به رسمیت شناختن دریای خزر به عنوان «دریاچه» امضا کردند که به آن دو تعلق دارد و آن را بین خود تقسیم کردند. اما پس از فروپاشی شوروی و استقلال جمهوری‌های اقماری آن ایران و روسیه هر دو می‌خواستند که این توافق ادامه یابد، هر چند استقلال جمهوری‌های قزاقستان، آذربایجان و ترکمنستان به صراحت مشخص شده بود. جمهوری آذربایجان در سال ۱۹۹۸ برای بهره‌برداری از منابع طبیعی ساحل خود و استقلال اقتصادی از روسیه اعلام کرد که چون دریای خزر دریاچه‌ای جهانی است، سطح و بستر آن باید با خطی میانی به پنج بخش تقسیم شود. (که اندازه هر بخش با توجه به طول خط ساحلی هر کشور تعیین می‌شود.) روسیه و ایران به این موضوع اشاره می‌کردند که جمهوری آذربایجان به عنوان عضوی از کشورهای مستقل مشترک‌المنافع (CIS) با پیروی از تمامی پیمان‌ها و توافق‌های شوروی سابق موافقت کرده است. در واقع ایران و روسیه می‌دانستند که اگر دریای خزر بنابر پیشنهاد جمهوری آذربایجان تقسیم شود، محدوده آنها نه‌تنها مالکیت اکثر میدان‌های نفتی دریای خزر را به آنها نمی‌دهد بلکه دسترسی به سطح مورد نیاز دریا را برای بهره‌مندی از حمل و نقل نفت هم برای آنها تامین نمی‌کند. به علاوه تهران می‌دانست که هر طرحی برای اختصاص محدوده دریایی به یک کشور بر مبنای طول ساحل کمترین سهم دریا را (بین ۱۲ تا ۱۶ درصد) به جای یک پنجم، از دریای خزر برای ایران باقی خواهد گذاشت. روسیه به رغم اعتراضاتی که به طرح جمهوری آذربایجان داشت به زحمت می‌توانست توافق CIS را در سال ۱۹۹۸ به اجرا درآورد و به جای آن اصلی‌ترین نگرانی این کشور در آن زمان این بود که پیش از تاثیرگذاری آمریکا در مذاکرات ارضی به راه‌حلی برسد. مسکو در آن زمان بهترین معامله‌ای را که می‌توانست به جای پافشاری بر سهم مساوی از دریا صورت داد، یعنی با قزاقستان توافق کرد که سهم مشترک خود را از دریا تنها براساس بستر آن تقسیم کند اما تهران قاطعانه با این توافق یا هر نوع دیگری از آن که بر پایه طول خط ساحل بنا می‌شد مخالفت کرد و به جای آن خواستار استفاده مشترک از دریا یا دست‌کم تقسیم آن به پنج بخش شد. جمهوری‌های آذربایجان و ترکمنستان از سوی دیگر از تقسیم دریا براساس بستر و سطح آن طرفداری می‌کردند هر چند هیچ یک از آن دو در مورد مالکیت میدان‌های نفتی آذری و چیراگ به توافق نرسیده بودند. توافق میان روسیه و قزاقستان که موجب دودستگی در میان کشورهای ساحلی شد (یک دسته خواهان تقسیم تنها براساس بستر دریا و دیگری خواهان تقسیم براساس سطح و بستر دریا) همچنین بحث در مورد اینکه آیا دریای خزر باید تقسیم شود را خاتمه داد و در عوض بحث چگونگی تقسیم آن را پیش کشید. بسیاری از کارشناسان به جای بحث بر سر دریا یا دریاچه می‌گفتند که خزر را می‌توان به سادگی منبع آب منحصر به‌فردی در نظر گرفت که ویژگی دریا و دریاچه را با هم دارد و مناقشات مربوط به آن باید از طریق توافق‌هایی غیررسمی در میان کشورهای ساحلی حل و فصل شود. جمهوری آذربایجان که دریافت احتمال رسیدن به راه‌حلی در مناقشه خزر با اجماع هر پنج کشور وجود ندارد، در سال ۲۰۰۱ با روسیه وارد معامله شد. باکو همچنین وابستگی خود را به انحصار صادرات نفت روسیه در نظر گرفته بود و از توانایی این کشور در تاثیرگذاری بر مناقشه قره‌باغ آگاه بود و پذیرفت که اعتراض بیشتر به توافق روسیه - قزاقستان کاری بی‌ثمر است. از این رو باکو به‌جای اینکه صدای اعتراض خود را به گوش متحدانی سازش‌ناپذیر مانند ترکمنستان و ایران برساند به مسکو نزدیک‌تر شد و توافقی مشابه در مورد تقسیم بر مبنای بستر رضایت داد. مذاکرات دوجانبه سومی هم میان قزاقستان و جمهوری آذربایجان صورت گرفت که به شکل موثری به عدم قطعیت در مورد ناحیه شمالی دریای خزر پایان داد و آغازگر اکتشاف ذخایر هیدروکربن خزر شد.

■ ایران

تهران که شاهد گشایش در بحث دریای خزر در نیمه شمالی بود بدون شک به همین دلیل به اقدام نظامی در سال ۲۰۰۱ روی آورد. با اینکه مواجهه بر سر میادین نفتی مورد بحث صورت گرفت ولی منافع تهران در دریای خزر علاوه بر اقتصادی شامل بعد ژئوپولتیک هم بود. از آنجا که بیشتر ذخایر نفتی ایران در خلیج فارس جای دارند مخمصه‌ای که ایران با همسایگان خود در دریای خزر شریک است را می‌توان در کنار گذاشته شدن تهران از روند تصمیم‌گیری منطقه‌ای و علاقه ایران به کنترل حضور آمریکا در آسیای میانه نسبت داد. ایران تاکنون نتایج نه‌چندان خوشایندی در ایجاد همکاری‌های منطقه‌ای به دست آورده است. این کشور که سعی در تغییر تصویر خود از دولتی بیگانه‌ستیز به همسایه‌ای فعال داشت در سیاست خارجی خود به دنبال شرکایی بود که جایگزینی برای قراردادهای امنیتی شوروی سابق محسوب شوند و ساختار منطقه‌ای توانایی را برای توازن قدرت‌های غربی ایجاد کند با این حال ارتقای روابط اسلامی و خاورمیانه‌ای از سوی ایران کمک چندانی به غلبه بر تفاوت‌های فرهنگی و مذهبی این کشور با همسایگان شمالی خود نکرده است. علاوه بر آن تهران دریافته که نمی‌تواند با پیشنهادهایی که از سوی قدرت‌های خارجی مانند روسیه و آمریکا برای تامین امنیتی و اقتصادی به کشورهای حاشیه خزر داده می‌شود رقابت کند. یکی از دلایل گرفتاری ایران دست‌کم به نظر تهران این است که آمریکا فشار شدیدی بر آن دارد و البته این نگرانی کاملاً بی‌پایه نیست زیرا تحریم‌های سال ۱۹۹۶ آمریکا علیه ایران و لیبی به موقعیت چانه‌زنی در مقابل کشورهای منطقه ضربه زد چرا که مانع از رابطه میان شرکت‌های نفتی آمریکا و ایران می‌شد. هدف از این تحریم‌ها کنترل صادرات نفت خزر از طریق حضور شرکت‌های نفتی آمریکا با ساخت خط لوله‌ای از خزر تا خلیج‌فارس در طول خاک ایران بود زیرا این پروژه در صورت تکمیل، نفوذ و اهمیت خط لوله باکو - تفلیس - جیحان را که از حمایت آمریکا برخوردار ولی گسترده‌تر و نه‌چندان کارآمد بود کاهش می‌داد. این خط لوله که در سال ۲۰۰۵ به اتمام رسید این امکان را فراهم کرده که صادرات نفت از طریق گرجستان و ترکیه به مدیترانه برسد و دیگر از طریق خط لوله روسیه با حمل آن در مسیر تنگه داردانل انجام نشود. به بیانی ساده‌تر این خط لوله جدید انحصار صادرات نفتی را که پیشتر در دست روسیه بود شکسته و ایران را منزوی‌تر می‌کند. روابط تهران با همسایگان شمالی خود به علت حضور فزاینده قدرت‌های خارجی در باکو و مناقشه‌های دائمی بر سر میادین نفتی جنوب دریای خزر به شکل قابل توجهی ضعیف است. پیشنهادات اخیری که از سوی آمریکا برای پیشرفت نیروی دریایی جمهوری آذربایجان شده موجب تقویت تردید تهران نسبت به باکو شده به این معنا که جمهوری آذربایجان ممکن است در شرف پیوستن به ائتلافی ضدایرانی باشد که از سوی واشینگتن و در واکنش به اهداف هسته‌ای ایران به راه افتاده است. یکی دیگر از دلایلی که به تیرگی روابط میان ایران و جمهوری آذربایجان دامن می‌زند درگیری قومی مستمر در قره‌باغ است. این منطقه خاری همیشگی در چشم آذربایجان بوده که ناتوان از شکست شورشیان مورد حمایت ارمنستان است و موجب شده آذربایجان برای کمک به قدرت‌های خارجی تکیه کند. تهران مایل است که این درگیری حل شود تا دست خارجی‌ها از جمله آمریکا و ترکیه را کوتاه کرده باشد همچنین قرارداد ارضی سال ۲۰۰۱ جمهوری آذربایجان با روسیه حامل این پیام به تهران است که مسکو تلاش دارد کنترل خود را در خزر گسترش داده و نفوذ ایران را در آن کم کند. در همین حال روسیه نقش خود را در منطقه از طریق ایجاد توازن میان حمایت از آذربایجان و ایران بالا می‌برد و با استفاده از ارمنستان اوضاع باکو را در دست دارد و در عین حال تامین دوسوم تسلیحات ایران و همکاری در زمینه برنامه هسته‌ای این کشور را به عهده دارد. روسیه که وارث بیشترین سهم از دریای خزر در زمان شوروی بود خواهان گسترش توانایی‌های خود است و در ظاهر در حوزه‌های ضدتروریسم، مبارزه با مواد مخدر و عملیات نجات دریایی نقش دارد. علاوه بر اینها این کشور در اکتبر ۲۰۰۱ مانور دریایی را در دریای خزر اجرا کرد و به دنبال آن بزرگترین مانور مشترک را در آگوست ۲۰۰۲ با نیروهای آذری و قزاق انجام داد که بزرگترین مانور پس از فروپاشی شوروی به شمار می‌رفت. مسکو علاوه بر این سایت موشکی زمینی خود را از دریای بالتیک به خزر انتقال داده است.

■ نتیجه

تجدید منافع قدرت‌های غربی در دریای خزر، خصومت مستمر میان ایران و آمریکا و این تفکر از سوی ایران که در روند تصمیم‌گیری‌های منطقه‌ای کنار گذاشته شده موجب دشوار شدن پیش‌بینی سیاست آینده ایران در منطقه خزر شده است. با این حال به‌رغم روابط ناپایدار ایران و جمهوری آذربایجان مشخص نیست که آیا ایران ممکن است به دنبال منطقه‌گرایی فزاینده‌ای از طریق قراردادهای دوجانبه و چندجانبه‌ای باشد که نیازهای امنیتی و اقتصادی ایران را تامین می‌کند؟ تهران همچنین می‌تواند به تقویت سازمان همکاری‌های اقتصادی (اکو) که شامل ایران، ترکیه، پاکستان و شش جمهوری مسلمان شوروی سابق می‌شود، کمک کند و آغازگر روندی باشد که قدرت منطقه‌ای آن را افزایش می‌دهد. مذاکرات خط لوله با قزاقستان و ترکمنستان و حتی احتمال ایجاد خطی از باکو با توجه به علاقه تهران به جانشین شدن در گزینه‌هایی که از سوی آمریکا و روسیه حمایت می‌شوند نیز قطعاً در آینده ممکن خواهد بود. با افزایش نیاز جهان به نفت و نفوذ ناپایدار آمریکا در خاورمیانه ایران همچنان به تقویت روابط با قدرت‌های خارجی در حال ظهوری چون چین، هند و ونزوئلا که در سایه سیاست محدودسازی آمریکا قرار دارند، می‌پردازد که گزینه‌هایی برای سیستم جهانی آمریکا در بازار دموکراسی محسوب می‌شوند. به علاوه سازمان‌های غیرغربی چون سازمان همکاری‌های شانگهای و سازمان کشورهای صادرکننده نفت می‌توانند همکاری‌های سیاسی، امنیتی و اقتصادی را برای ایران تامین کنند که در نظر این کشور برای رسیدن به موقعیت قدرت بزرگ منطقه‌ای ضروری است. تردیدی که در مورد مناقشه ارضی جنوب خزر وجود دارد و برداشت ایران از گرفتاری همچنان هر اقدامی از سوی ایران را تبدیل به احتمالی حقیقی می‌کند. با ادامه تهدیدات آمریکا بر سر برنامه هسته‌ای ایران و اقدامات روسیه در جهت تقویت مجدد منافع خود در آسیای مرکزی نگرانی حکومت سنتی بیگانه‌ستیز ایران موجب حضور این کشور در مناقشه قره‌باغ و دیپلماسی نظامی در دریای خزر خواهد شد.

گزارش کوتاه

پوستر احمدی‌نژاد پرفروش‌ترین در سوریه

آزاده افتخاری: برای مدت‌ها پرفروش‌ترین پوستر مغازه‌های سوریه تصویری بود که بشار اسد رئیس جمهور این کشور را در کنار رهبر گروه حزب‌الله لبنان نشان می‌داد. اما طی چند هفته اخیر این پوستر با شکل جدیدی به بازار ارائه می‌شود که در آن تصویر محمود احمدی‌نژاد رئیس جمهور ایران در کنار بشار اسد و سیدحسن نصرالله رهبر حزب‌الله قرار دارد. این درحالی است که تعداد زائران ایرانی در سوریه نسبت به سال‌های قبل بسیار بیشتر است و این تغییرات برای واشینگتن که به دنبال کنترل ایران و انزوای سوریه است، نگرانی بزرگی به‌شمار می‌آید. از سوی دیگر درحالی که کانون قدرت منطقه‌ای به سوی مسلمانان شیعه به رهبری ایران در حرکت است، دولت‌های تهران و دمشق روابط مستحکمی را در عرصه‌های مختلف بنیانگذاری کرده‌اند. روزنامه نیویورک تایمز در تحلیل روابط ایران و سوریه می‌نویسد: دولت‌های غرب بر این باورند که واشینگتن به زودی درخصوص مسئله هسته‌ای و شرایط عراق با ایران وارد مذاکره می‌شود. از سوی دیگر اعراب که زمانی دشمن ایران بودند، اکنون در محافل علنی زبان ملایم‌تری را در تعامل با ایران به‌کار می‌گیرند. حسنی مبارک رئیس جمهور مصر به‌تازگی با علی لاریجانی دبیر شورای عالی امنیت ملی ایران دیدار کرده است و سعود الفیصل وزیر امور خارجه عربستان سعودی در جریان سفر اخیر به تهران از تمایل کشورش برای برقراری روابط دوستانه با ایران سخن گفت. علاوه بر این مقامات ایرانی اخیراً برای هر یک از کشورهای حوزه خلیج فارس پیام صلح و دوستی ارسال کرده‌اند. کشور سوریه در خلال تمامی این فعالیت‌ها می‌کوشد تا با بازی دوگانه و میانجیگری نفوذ خود را در منطقه افزایش دهد. سوریه از سویی شانس ایجاد یک جبهه متحد پرنفوذ از محدوده ارضی خود تا فلسطین را به ایران ارائه می‌کند و از سوی دیگر دولت سکولار دمشق نقش پررنگی در تلاش سنی‌ها با هدف محدود کردن نفوذ شیعیان ایفا می‌کند. دیپلمات‌ها و تحلیلگران سیاسی در سوریه می‌گویند: این روند به دمشق امکان می‌دهد توجه کشورهای حوزه خلیج فارس را به سرمایه‌گذاری در سوریه جلب کند. در همین حال تلاش‌های ایران برای تقویت نقش شیعیان در بخش‌هایی از سوریه در حالی جریان دارد که دولت دمشق با گسترش اندیشه‌های اسلام رادیکالی در منطقه مخالفت می‌کند. با وجود آنکه روابط ایران-سوریه بیشتر به یک اتحاد سیاسی می‌ماند تا یک اتحاد مذهبی، اما بسیاری از تحلیلگران بر این عقیده‌اند که ادغام این دو نیرو، فرقه‌گرایی رقبا را تشدید می‌کند. نیویورک تایمز می‌نویسد: سوریه و ایران روابط نزدیک خود را از یک دهه قبل بنیانگذاری کردند، اما گام‌های بلند و مشترک اخیراً برداشته شده است. سوریه قراردادهای نظامی و اقتصادی متعددی با ایران منعقد کرده است که از جمله آنها می‌توان به پروژه‌های ارتباطات و آموزش، خرید موشک از ایران و احداث کارخانه سیمان و خودروسازی در سوریه اشاره کرد. در همین حال درحالی که کشورهای عرب تا چندی پیش نسبت به سوریه بی‌تفاوت بودند، اکنون توجه ویژه‌ای به این کشور معطوف کرده‌اند. سوریه به‌تازگی میزبان پادشاه بحرین بود و بشار اسد در کنفرانس تلفنی مشترک با ملک عبدالله شاه اردن بر گسترش روابط تاکید کرده است. یک نویسنده و تحلیلگر سیاسی می‌گوید: «ایران به سوریه اعتماد به نفس خارق‌العاده‌ای تزریق کرده است و بی‌تردید ایرانیان به سوریه مشاوره می‌دهند.» دیپلمات‌های اروپایی می‌گویند: روی برگرداندن سوریه از غرب و حرکت به سوی ایران و دیگر کشورهای شرقی بخشی از یک کشمکش قدرت داخلی میان نیروهای درون دولتی است. جدالی میان آنهایی که حداقل برای باز نگاه‌داشتن رخنه‌ای با هدف ارتباط با اروپا تلاش می‌کنند و میان گروهی دیگر که به دنبال تغییر جهت حرکت سوریه به سوی شرق هستند. نیویورک تایمز می‌نویسد: زمانی که حافظ اسد رئیس جمهور اسبق سوریه یک دهه قبل روابطی را با تهران پایه‌گذاری کرد، قدرت بیشتر در اختیار دولت وی بود. زمانی که سوریه پیشنهاد حمایت استراتژیک از ایران را ارائه کرد، ایران با کمک اقتصادی شامل فروش نفت ارزان از این حمایت قدردانی کرد. اما امروز اوضاع کاملاً تغییر کرده است و ایران در موضع قدرت قرار دارد. یکی از فروشندگان پوستری که احمدی‌نژاد، بشار اسد و حسن نصرالله را در کنار هم نشان می‌دهد در توضیح این تصویر می‌گوید: این سه شخصیت تنها افرادی هستند که به آمریکا «نه» می‌گویند و منافع این کشور را به چالش کشیده‌اند، بنابراین در این تصویر آنها را کنار یکدیگر قرار داده‌ایم.

فراخوان نخست

دعوت به ارزیابی توان اجرای کار

- کارفرما: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی
- مشاور: مهندسان مشاور فرآیند معماری
- مبلغ برآورد: حدود ۶۲/۰۰۰/۰۰۰/۰۰۰ ریال بر اساس فهرست بهای سال ۱۳۸۵
- مشخصات پیمانکار: دارای رتبه ۲ ابنیه
- مشخصات کلی خدمات پیمانکار: احداث تالار مرکزی شهر ساری به مساحت حدود ۱۳۰۰۰ متر مربع شامل سالن های موسیقی و تئاتر، کتابخانه‌ها و فضاهای آموزشی و ... بدون تجهیزات تخصصی
- تاریخ دریافت اسناد ارزیابی: سه شنبه ۸۵/۴/۶
- تاریخ عودت اسناد ارزیابی: چهار شنبه ۸۵/۴/۱۴ (تا پایان وقت اداری)
- محل دریافت و عودت اسناد ارزیابی: میدان بهارستان، خیابان کمال الملک، ساختمان مرکزی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، طبقه چهارم، دفتر طرح‌های عمرانی و املاک (با معرفی نامه رسمی از شرکت)